مهدی صحراگرد

ابراهیم‌سلطان
بانی مجموعهٔ دارالصفای شیراز

به گفتهٔ برخی از تاریخ‌نگاران، ابراهیم‌سلطان، فرزند شاهرخ تیموری، در مدت حکمرانی‌اش بر شیراز، مدارس دارالصفا و دارالایتام را در آنجا ساخت. این دو مدرسه در دورهٔ صفویه ویران شد و آگاهیهای ناچیزی دربارهٔ آنها به دست ما رسیده است. هم اکنون جزوی از مصحفی در دست است که ابراهیم‌سلطان آن را به سال ۸۲۹ق بر خانقاه دارالصفای سلطانی شیراز وقف کرده است. بر حاشیهٔ دو صفحه از آن مهر دارالصفا نقش بسته است. این وقف‌نامه هم از محل استقرار دارالصفا خبر می‌دهد و هم از اینکه دارالصفا نه مدرسه‌ای ساده، بلکه مجموعه‌ای مشتمل بر خانقاه و مدرسه و احتمالاً بناهایی دیگر بوده است. با تطبیق آگاهیهای کسب‌شده می‌توان دربارهٔ این مجموعه حدسهایی زد و آن را در برخی ویژگیها همچون ربع رشیدی و مدرسهٔ اخلاصیهٔ هرات دانست.

ابراهیم‌سلطان (۷۹۶–۸۳۷ق)، پسر شاهرخ تیموری، در خوشنویسی شاگرد پیرمحمد شیرازی و در کتابت قلمهای ششگانه پیرو شیوهٔ یاقوت مستعصمی بود.[۱] دربارهٔ مهارت او در خوشنویسی گفته‌اند که به تقلید از یاقوت چنان می‌نوشت که کسی توان تشخیص آن را نداشت.[۲] آوازهٔ او در هنر پروری و حمایت و جلب هنرمندان نیز کمتر از شهرتش در خوشنویسی نیست. حکایتهایی فراوان از او در حمایت و تشویق هنرمندان نقل کرده‌اند.[۳]

در تاریخ‌نامه‌ها، به نحوی مبهم و پراکنده، ساخت دو مدرسهٔ دارالصفا و دارالایتام را در شیراز به او نسبت داده‌اند. از علل شهرت این دو مدرسه کتیبه‌هایی است که او برای این دو بنا، به ویژه دارالصفا، نوشته است؛ زیرا در هر جا که از مهارت ابراهیم‌سلطان در خوشنویسی و کتیبه‌نگاری سخنی رفته است از کتیبه‌های این بنا یاد کرده‌اند.[۴] از اینجا دو گمان پیش می‌آید: یا کتیبه‌های این بنا سخت هنرمندانه نوشته شده؛ یا این مدرسه در شیراز یا دست‌کم در میان هنرمندان و تاریخ‌نگاران بسیار مهم بوده است.

این دو مدرسه از این جهت نیز شایان توجه است که از معدود بناهایی است که ابراهیم‌سلطان در شیراز ساخت. هرچند از نقش او در ساخت یا بازسازی چند بنای دیگر در شیراز یاد کرده‌اند،[۵] گویا مدرسهٔ دارالصفا اهمیتی بیشتر داشته است؛ زیرا ابراهیم‌سلطان را در آنجا دفن کردند.[۶]

مدرسهٔ دارالصفا را در سال ۸۲۳ق در سرپل جکنم[۷] پی افکندند.[۸] عده‌ای از نقش طوطی‌بیگم، مادر ابراهیم‌سلطان، نیز در ساخت این دو مدرسه یاد کرده‌اند.[۹] شاید به همین علت مدرسهٔ دارالایتام را مدرسهٔ بیگم می‌خواندند؛ چنان‌که در *احسن التواریخ* ذیل حوادث سال ۹۰۸ق آمده است:

> هم در این سال [۹۰۸ق] مولانا جلال‌الدین محمد دوانی، ولد مولانا سعد الدین اسعد، بعد از صدارت در مدرسهٔ بیگم که حالا دارالایتام می‌گویند به لوازم درس قیام می‌نمود.[۱۰]

هم اکنون نسخه‌هایی در دست است که در این مدرسه کتابت شده و در انجامهٔ آنها محل کتابت را مدرسهٔ بیگم نوشته‌اند. نسخه‌های *التذهیب فی شرح التهذیب*، نوشته به سال ۸۵۸ق و محفوظ در بنیاد شرق‌شناسی

فرهنگستان شوروی سابق در لنینگراد (سن‌پترزبورگ)؛[۱۱] *شفاء*، نوشته به سال ۸۸۰ق؛ *تهافت الفلاسفه*، نوشته به سال ۸۹۹ق؛ *شواکل الحور فی شرح هیاکل النور*، نوشته به سال ۹۰۳ق و محفوظ در کتابخانهٔ ملی ملک از آن جمله است.[۱۲]

از این دو مدرسه اکنون چیزی برجا نیست؛ زیرا یعقوب ذوالقدر، والی فارس در زمان صفویه، در ۹۹۹ق بر شاه عباس اول صفوی شورید و در خلال آماده شدنش برای جنگ، این دو بنا را ویران و از مصالحش برای ساخت قلعه‌ای برای مقابله با شاه عباس استفاده کرد.[۱۳] در نتیجه، این دو مدرسه با کتیبه‌هایش از بین رفت.

در موزهٔ شاه‌چراغ شیراز، پارهٔ پنجاهم از مُصْحَفی شصت‌پاره نگهداری می‌شود[۱۴] که در وقف‌نامه‌اش نوشته‌اند که این مصحف را ابراهیم‌سلطان تیموری[۱۵] در سال ۸۲۹ق بر خانقاه دارالصفای سلطانی شیراز وقف کرد. متن وقف‌نامه را، به خط توقیع به قلم سیاهی و بدون تزیین، در ظهر نسخه چنین نوشته‌اند:

> وقف المولی السلطان الاعظم اعدل/ سلاطین العالم مغیث الدنیا و الدین ابوالفتح/ ابرهیم سلطان خلد الله ملکه و سلطانه مدی الملوان/ هذا الجز المبارک من مصحف المجید المتبرک و ما قبله و ما/ بعده تتمة الستین علی خانقاهه الشریفة لحضرته/ العلّیه المسماة بدارالصفا الکائنة بخارج درب/ اصطخر من شیراز وقفاً شرعیاً لیتلی منه فیها [...]/ [...] و اجره علی الله تعالی و کتب فی رجب/ سنة تسع و عشرین و ثمانمائة هجریة

همچنین بر حاشیهٔ دو صفحه از این مصحف مهری با این نوشته به رنگ شنجرف نقش بسته است: «وقف دارالصفا[ی] سلطانی شیراز».

در متن وقف نامه از محل استقرار خانقاه دارالصفا یاد شده است: «بخارج درب اصطخر من شیراز». دروازه یا درب استخر همان دروازهٔ اصفهان کنونی شیراز است که زمانی مقبرهٔ خانوادگی آل بویه در آنجا بوده واکنون به مدفن علی بن حمزه مشهور است.[۱۶] بنا بر این، محدودهٔ مکان استقرار این مدرسه تا حدی مشخص می‌شود. بر این اساس می‌توان گفت «سرپل جکنم» نیز، که نشانی دقیق‌تری از محل مدرسهٔ دارالصفاست، در همین محدوده بوده است.

ابراهیم‌سلطان کتیبه‌های در و ضریح مقبرهٔ علی بن حمزه را نیز نوشته است. همچنین بر سردر این بنا از طرف درون، کتیبه‌ای سنگی به رقم ابراهیم‌سلطان نصب است. محل نامتعارف نصب این کتیبه و تناسب نداشتن اندازه‌اش با دیوار این گمان را پیش می‌آورد که کتیبه را بعداً در اینجا نهاده باشند. آیا ممکن است که این کتیبه در اصل از آنِ مدرسهٔ دارالصفا بوده باشد؟

از نکاتی دیگر که از متن این وقف‌نامه به دست می‌آید اینکه مدرسهٔ دارالصفا نیز، همچون مدارس مهم آن زمان، مجموعه‌ای دینی و علمی بوده است؛ زیرا این مصحف را بر خانقاه دارالصفا وقف کرده‌اند. گویا خانقاه و مدرسه، و احتمالاً برخی بناهای مربوطِ دیگر همچون مسجد یا دارالحفاظ، را در مجموعه‌ای به نام دارالصفای سلطانی ساخته بودند. گمان می‌رود لقب «سلطانی» را نیز در ارتباط با ابراهیم‌سلطان به نام این مکان افزوده

باشند؛ زیرا پیش از آن در شیراز و یزد نیز مدارسی به نام دارالصفا، بدون لقب سلطانی، بوده است.[۱۷] مدرسهٔ و خانقاه دارالصفا از نظر اهمیت و نقش امیری در بنیان‌گذاری‌اش یادآور ربع رشیدی تبریز در حدود یک قرن پیش از آن و اخلاصیه و خلاصیهٔ هرات در حدود هفتاد سال بعد از آن است. مدرسهٔ اخلاصیه و خانقاه خلاصیه را، که به ترتیب محل آموزش و تهذیب در هراتِ قرن نهم بود، امیر علی‌شیر نوایی در کهن‌سالی متأثر از ربع رشیدی ساخت.[۱۸] اگر فرضی که دربارهٔ دارالصفا گفته شد قابل بحث باشد، باید گفت که سال ۸۲۳ق، سالی که دارالصفا را در شیراز بنیاد نهادند، همان سالی است که ابراهیم‌سلطان مراغه را تسخیر کرد؛[۱۹] و شاید فکر ساختن دارالصفا از دیدن ربع رشیدی تبریز در همان سفر نشئت گرفته باشد.□

کتاب‌نامه

آل داود، سیدعلی. «ابراهیم‌سلطان»، در : *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*.

افشار، ایرج و محمدتقی دانش پژوه. *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک*، تهران، کتابخانهٔ ملی ملک، ۱۳۵۲، ج۱.

بیانی، مهدی. *احوال و آثار خوشنویسان*، تهران، علمی، ۱۳۶۳، ۴ج.

بهروزی، علی‌نقی. *فهرست کتب خطی کتابخانه شاهچراغ*، ، شیراز، مصطفوی، ۲ج.

حسن‌بیک روملو. *احسن التواریخ*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، بانک، ۱۳۵۷، ۱۲ج.

خواندمیر، حبیب *السیر*. به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، ۱۳۶۲.

خوب‌نظر، حسن. *تاریخ شیراز*، به کوشش جعفر مؤید شیرازی، تهران، سخن، ۱۳۸۰.

دولتشاه سمرقندی. *تذکره*، تهران، پدیده، ۱۳۶۶.

ریشارد، فرانسیس. «نصیرالدین سلطانی، نصیرالدین مذهب، و کتابخانهٔ ابراهیم‌سلطان در شیراز»، ترجمهٔ سیدمحمد مرعشی، در: *نامهٔ بهارستان*، ش۵ (۱۳۸۳)، ص۱۳۱–۱۴۰.

شجاع. *انیس الناس*، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

صحراگرد، مهدی. *مصحف روشن*، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.

فصیح خوافی. *مجمل فصیحی*، تصحیح محمود فرخ، مشهد، کتاب‌فروشی باستان، ۱۳۳۹.

قاضی احمد قمی. *گلستان هنر*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۸۳.

ـــــــــ . *خلاصة التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ۲ج.

کاتب یزدی، احمد بن حسین. *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۲۵۳۷.

کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی. *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، طهوری، ۱۳۵۳.

مایل هروی، نجیب. *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.

ـــــــــ . *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،۱۳۸۰.

محمدیوسف واله اصفهانی. *خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)*، به کوشش هاشم محدث، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۹.

محمود بن محمد، «قوانین الخطوط» در : نجیب مایل هروی، *کتاب آرایی در تمدن اسلامی*.

مصطفی عالی افندی. *مناقب هنروران*، تهران، سروش، ۱۳۶۱.

منصوری، فیروز. *فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری و نقد و بررسی گلستان هنر*، تهران، گستره، ۱۳۶۶.

میرزا حسن حسینی فسایی، *فارسنامه ناصری*، ۲ج، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

میرخواند، *تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوک و الخلفاء*، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.

هفت‌قلمی دهلوی، غلام‌محمد. *تذکره خوشنویسان*، تهران، روزنه، ۱۳۷۳.

یعقوب بن حسن سراج شیرازی، *تحفة المحبین*، به کوشش کرامت رعناحسینی و ایرج افشار، تهران، میراث مکتوب و نقطه، ۱۳۷۶.

Lentz & Lowry. *Timur And The Princely Vision, Persian art and Culture in the 15th Century*, Losageles & Washington D.C, 1989.

Sims, Eleanor. “Ibrahim Sultan’s Illustrated *Zafarname* of 1436 and Its Impact in the Muslem East”, in: Lisa Glombek et Maria Sabtelny (eds.) ,*Timurid Art And Culture in Fifteenth Century* (supplement to *Muqarnas*, VI), Leiden, pp. 132-143.

پی‌نوشتها:

۱. قاضی احمد قمی، *گلستان هنر*، ص ۲۹؛ مهدی بیانی، *احوال و آثار خوشنویسان*، ص ۱۰۱۴ ؛ فرانسیس ریشارد، «نصیرالدین سلطانی، نصیرالدین مذهّب، و کتابخانهٔ ابراهیم‌سلطان در شیراز»، ص۱۳۲.

۲. مصطفی عالی افندی، *مناقب هنروران*، ص ۴۹ ؛ دولتشاه سمرقندی، *تذکره*، ص۲۸۷ ؛ محمد هفت‌قلمی دهلوی، *تذکره خوشنویسان*، ص۴۶.

۳. مثلاً شرف‌الدین‌علی یزدی *ظفرنامه* را به دستور و حمایت او نوشت؛ حافظ ابرو *زبدة التواریخ* را پس از مرگ بایسنقر نزد ابراهیم‌سلطان نوشت؛ کمال‌الدین بن غیاث شیرازی ناظم دیوان و نیز حاجی منصور، که *نی‌نامه* به او منسوب است، در مرکز هنری شیراز فعالیت می‌کردند؛ شخصی به نام شجاع کتابی به نام *انیس الناس* را برای کتابخانهٔ ابراهیم‌سلطان نوشت. همچنین است حکایتهایی چون انتقال کتیبهٔ عبدالله صیرفی از بنایی در تبریز به شیراز در قاضی احمد قمی، همان، ص۲۴؛ درخواستِ ستاندن یوسف اندکانی که در گویندگی و مطربی استاد بود در ازای صدهزار درهم از بایسنقر در دولتشاه سمرقندی، همان، ص۲۶۴.

۴. نک: قاضی احمد قمی، همان، ص۳۰؛ محمود بن محمد، «قوانین الخطوط»، ص۳۱۱؛ یعقوب بن حسن سراج شیرازی، *تحفة المحبین*، ص۱۴۱. محمدیوسف واله اصفهانی، *خلد برین*، ص۵۲۲. مثلاً سراج شیرازی در *تحفة المحبین* می‌گوید: «در ایام سلطنت [...] مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم‌سلطان [...]، که در اقسام خط به تخصیص قلم کتابت اعجوبهٔ عصر خود بلکه یگانهٔ روزگار بود و نتایج اقلام براعت‌لثامش از صفایح اوراق مَصاحف و در اوج لطافت دثار و صفحات در و دیوار عمارات خوانق و مدارس دارالملک شیراز به تخصیص دارالصفای سلطانی که از مستحدثات معمار همت آن سلطان مرحوم است ...»

۵. مثلاً باغی در شیراز که به وُثاق شاه منصور مشهور بود. نک: عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، ص۲۷۲. همچنین است تعمیراتی که در خدای‌خانهٔ مسجد جامع شیراز کرده است و نیز کتیبه‌هایی که برای برخی بناها همچون مقبرهٔ سعدی نوشته است. نک: قاضی احمد قمی، همان‌جا.

۶. قاضی احمد قمی، همان، پانوشت ص۳۱ (افزودهٔ مصحح).

۷. این مکان بر نگارنده شناخته نشد؛ اما کمی پیش‌تر، در شیراز جایی بود که آن را «چهارراه 'چه کنم؟'» می‌خواندند. شاید «جکنم» مصحّف «چکنم» باشد.

۸. فصیح خوافی، *مجمل فصیحی*، ص۲۴۴.

۹. محمود بن محمد، همان‌جا.

۱۰. حسن‌بیک روملو، *احسن التواریخ*، ج۱۲، ص۹۸. نظیر این مطلب دربارهٔ مدرسه بیگم در *حبیب السیر* نیز آمده است. نک: خواندمیر، *حبیب السیر*، ج۴، ص۵۹۱. گفتنی است فیروز منصوری در پی جعلی خواندن گفته‌های قاضی احمد قمی در *گلستان هنر*، دربارهٔ این دو مدرسه بر اساس مطلب یاد شده در *حبیب السیر* مدرسهٔ بیگم را «مدرسهٔ مجدده» ملک‌خاتون دختر محمودشاه دانسته است؛ در حالی که شواهد برای اینکه آن را مدرسهٔ دارالایتام بدانیم بیشتر است. نک: فیروز منصوری، *فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم و نقد و بررسی گلستان هنر*، ص۳۳، پانوشت.

۱۱. به نقل از همان‌جا.

۱۲. ویژگی این نسخه‌ها چنین است: نسخهٔ *شفاء* ابن سینا به خط نسخ متمایل به نستعلیق، با ۱۹۶ برگ و ۳۱ سطر در اندازهٔ ۲۶/۲× ۱۸/۳، تاریخ کتابت: جمادی الاول ۸۸۰ق؛ *تهافت الفلاسفة* مصلح‌الدین مصطفی بن صالح خواجه‌زاده برسوی رومی، به خط نستعلیق، ۱۱۸ برگ در اندازهٔ ۱۷/۵×۹/۷س‌م، تاریخ کتابت: ۲۷ رجب ۸۹۹ق؛ *شواکل الحور فی شرح هیاکل النور* محمد دوّانی، به خط نستعلیق فرید بن نورالدین بن اوحد بن فرید، ۹۶ برگ در اندازهٔ ۱۰/۳×۱۷/۷س‌م، تاریخ کتابت: ۳ ربیع‌الثانی ۹۰۳ق. نک: ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، *فهرست نسخ خطی کتابخانهٔ ملی ملک*، ج۱، ص۱۸۳ و ۴۶۴ و ۴۷۰. همچنین نام این نسخه‌ها در فیروز منصوری، همان‌جا آمده است.

۱۳. قاضی احمد قمی، *خلاصة التواریخ*، ص۶۷. این مطلب در این کتابها نیز آمده است: حسن خوب‌نظر، *تاریخ شیراز*، ص۷۱۱؛ میرزا حسن حسینی فسایی، *فارسنامه ناصری*، ص۱۲۳.

۱۴. مشخصات ظاهری این نسخه چنین است: متن به خط نسخ، اندازهٔ جلد ۲۳×۱۷س‌م، ۱۳ برگ، در هر صفحه ۷ سطر. ۲ صفحهٔ نخست آن مذهّب و مرصع است و در هر صفحه ۳ سطر دارد. برای آگاهی بیشتر و دیدن تصاویر آن، نک: مهدی صحراگرد، *مصحف روشن*، ص۱۶۵–۱۷۲. این مصحف در: علی‌نقی بهروزی، *فهرست کتب خطی کتابخانهٔ شاهچراغ*، ص۱۵۳، ذکر شده است.

۱۵. از آنجا که این مصحف تحت حمایت و به سفارش ابراهیم‌سلطان تهیه شده است می‌توان آن را به سیاههٔ آثار کتابخانهٔ ابراهیم‌سلطان که چند تن از محققان تهیه کرده‌اند افزود؛ یعنی سیاهه‌ای که لنتس و لوری در *Timur and the Princely Vision*

تهیه کردند از آثار تولیدشده تحت حمایت ابراهیم‌سلطان در شیراز و پس از آن سیمز در

"ibrahim sultan's illustrated *zafarname* of 1436 and its impact in the muslem east"

نسخه‌هایی را به این فهرست افزود. فرانسیس ریشار نیز در «نصیرالدین سلطانی ، نصیرالدین مذهّب و کتابخانهٔ ابراهیم سلطان در شیراز» این سیاهه را کامل‌تر کرد.

۱۶. خوب‌نظر، همان، ص۱۱۲.

۱۷. نک: احمدبن حسین کاتب یزدی، *تاریخ جدید یزد*.

۱۸. مایل هروی، *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، ص۱۱۲و۵۸۶.

۱۹. سیدعلی آل داود، «ابراهیم‌سلطان»، ص۵۱۲.